

نویسنده: دیوید اس دی اماتو «*Davada S. D'Amato*».
منبع و تاریخ نشر: کونترپانچ «2026-05-29».
برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

مذهب جدید شتاب گرایی هوش مصنوعی

The New Religion of AI Accelerationism

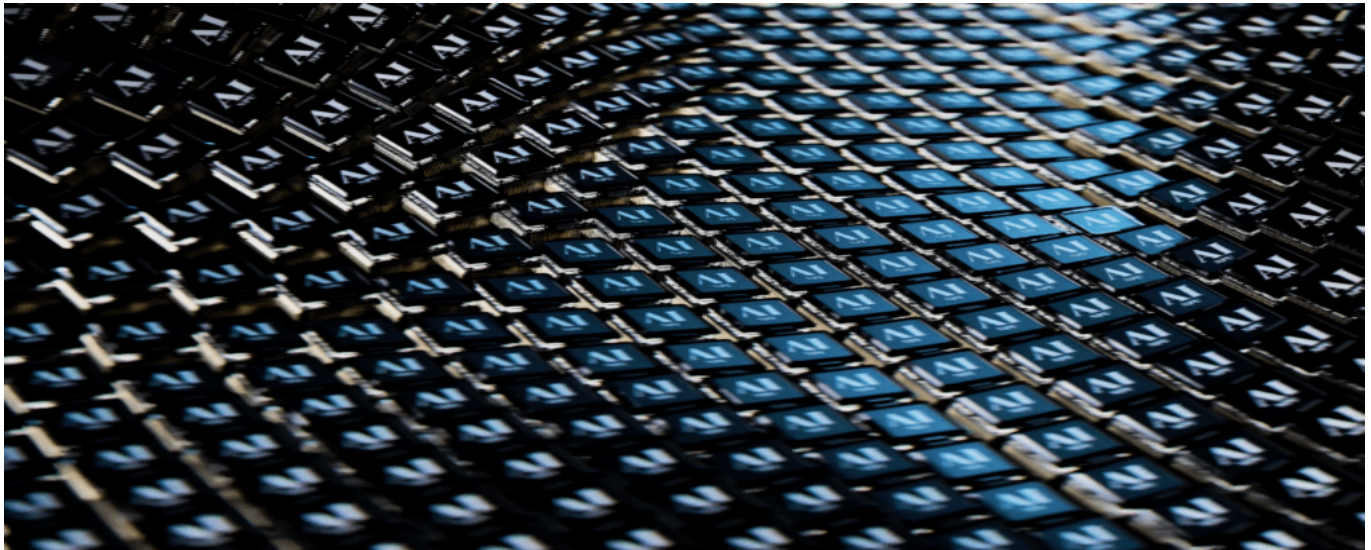


Photo by [Igor Omilaeu](#)

در اوایل این ماه، محققان دانشگاه کالیفرنیا، سن دیگو، مطالعه‌ای را منتشر کردند که «اولین شواهد تجربی مبنی بر اینکه یک سیستم هوش مصنوعی مدرن می‌تواند از آزمون تورینگ عبور کند» را ارائه می‌دهد. این آزمون که به نام آلن تورینگ، ریاضیدان انگلیسی و رمزگشای جنگ جهانی دوم، نامگذاری شده است، برای تعیین اینکه آیا یک کامپیوتر می‌تواند هوش انسانی را به گونه‌ای نشان دهد که از آگاهی انسان قابل تشخیص نباشد، طراحی شده است. شاید جالب باشد که این پیشرفت آشکار چقدر کم در گفتمان عمومی گسترده تر، موج ایجاد کرده است.

بسیاری، از جمله جنسن هوانگ، مدیرعامل انویدیا، معتقدند که ما قبلاً به هوش عمومی مصنوعی (AGI) دست یافته‌ایم، اگرچه هنوز اختلاف نظر گسترده‌ای در مورد معنای دقیق آن وجود دارد. به همین ترتیب، در مورد اینکه آیا آزمون تورینگ آزمون مناسبی برای تعیین اینکه آیا ما AGI داریم یا خیر، وجود دارد، اختلاف نظر وجود دارد.

بعید است که چیزی مانند تسلط هوش مصنوعی فوق هوشمند بر جهان را به عنوان یک جهش آشکار و ناگهانی درک کنیم. ما در حال عبور از نقاط عطف مدت‌ها مورد انتظار بدون فرصت واقعی برای پردازش پیامدها هستیم. در چنین زمینه‌ای از قدرت به سرعت در حال رشد و سردرگمی پیرامون آن، زیر سوال بردن برخی از فرضیات آسان اهمیت پیدا می‌کند. توسعه هوش مصنوعی نما یا نگر یا برآمده از پیشرفت تکنولوژیکی خنثی یا «نیروهای بازار» نیست. این یک پروژه عمیقاً اجباری و سیاسی است که توسط یک انحصار چند جانبه سرمایه داری دولتی تباری گر هدایت می‌شود و توسط ایندولوژی‌ای پشتیبانی می‌شود که آشکارا زندگی انسان را بی‌ارزش می‌کند. یکی از طرفداران فزاینده و مشهود این مجموعه ایندولوژیک، فیلسوف انگلیسی، **نیک لند**، است که به دلیل جذابیتی که ایده‌هایش ایجاد کرده است، «یک میم زنده و یک پیشگو» نامیده می‌شود.

نیک لند که در میان مجموعه فناوری سیلیکون ولی «وادی» به عنوان یک قدیس حامی شناخته می‌شود، به خاطر رواج مجموعه‌ای از ایده‌های مرتبط با شتاب‌گرایی شناخته می‌شود. اگرچه اکنون ده‌ها نوع از آن جوانه زده است، هسته اصلی رویکرد شتاب‌گرایی **لند** این ایده است که هوش مصنوعی فوق هوشمند ذاتی پویایی سرمایه‌داری تکنولوژیکی است و در نهایت نمی‌توان جلوی آن را گرفت. او استدلال می‌کند که هوش مصنوعی نمایانگر آگاهی سرمایه‌داری از خود است و او چیزی را ارائه می‌دهد که مسلماً واضح‌ترین و شناخته‌شده‌ترین فرمول‌بندی بخش عمده‌ای از بدبینی لحظه حال است: «هیچ چیز انسانی از آینده نزدیک بیرون نمی‌آید.» به نظر می‌رسد برخی از ثروتمندترین انسان‌هایی که تا به حال زیسته‌اند، با این اشتیاق هزاره‌گرایانه برای کمک به پیشبرد بشریت به سوی آینده‌ای بدون انسان، کنار آمده‌اند.

نسخه لند از شتاب‌گرایی، سرمایه‌داری را نه تنها به عنوان یک سیستم سیاسی-اقتصادی، بلکه به عنوان فرآیندی می‌بیند که به طور کامل خود را تشدید و کامل می‌کند. پویایی سیستم، نه ارزش‌های انسان‌ها، محرک تغییر و پیشرفت هستند. جوامع و سیستم‌های ارزشی ما، در این دیدگاه از جهان، منسوخ و بی‌ربط هستند. این گفتگوها به طور فزاینده‌ای مورد توجه قرار گرفته‌اند و از قلمرو گمنامی اینترنت به صفحات مثلاً نیویورکر راه یافته‌اند.

به ما گفته می‌شود که هیچ انسانی از این گذار جان سالم به در نخواهد برد، اما با این وجود باید روند در حال وقوع را تسریع کنیم. به ما گفته می‌شود که هوش مصنوعی به دولت پلیسی در جاسوسی از ما و نقض حقوق ما کمک خواهد کرد، اما ما باید اقتصاد ایالات متحده (و در واقع جهانی) را به آن وابسته کنیم. به ما اطمینان داده می‌شود که **ربات‌ها** میلیون‌ها یا میلیارد‌ها کارگر انسانی را جایگزین خواهند کرد، اما ما باید این را به زبان مذهبی و آخرالزمانی اعلام و جشن بگیریم. این تناقضات در مرکز بحث‌های فعلی در مورد هوش مصنوعی قرار دارند و به توضیح این موضوع کمک می‌کنند که چرا واکنش‌ها به کوچکترین اشاره‌ای به هوش مصنوعی با خشم و انزجار بیشتری همراه می‌شود. امروزه، سهام شرکت‌های **Mag 7**، گروهی از بزرگترین و قدرتمندترین

شرکت‌های فناوری، 35 درصد از ارزش P 500&S را تشکیل می‌دهند. در سال 2020، این شرکت‌ها بازده سالانه‌ای (65.8 درصد) داشتند که بیش از چهار برابر P 500&S (16.3) بود. اکنون ارزش هر یک از این شرکت‌ها بیش از 1 تریلیون دلار است.

بخش فناوری امروز، اصول چیزی شبیه به رقابت واقعی بازار آزاد را نشان نمی‌دهد؛ شرکت‌های بزرگ فناوری که به شدت توسط مردم یارانه می‌گیرند و عمیقاً به دولت فدرال وابسته هستند، یک انحصار چندجانبه سرمایه‌ایالتی هستند که از انواع یارانه‌ها و مزایای ویژه که برای شرکت‌ها و شهروندان عادی در دسترس نیست، سود هنگفتی برده‌اند. وقتی کمک‌های مالی و یارانه‌های مستقیم فدرال، پشتیبانی زیرساخت‌ها و تولید سخت‌افزار را در نظر می‌گیریم، یارانه‌ها و تخصیص‌های عمومی برای هوش مصنوعی به صدها میلیارد دلار رسیده است.

گزارش موسسه بروکینگز که اوایل این ماه منتشر شد، برخی از روندهای نگران‌کننده پیرامون رابطه دولت با بخش فناوری و فناوری‌های هوش مصنوعی را تجزیه و تحلیل می‌کند. اکثریت قریب به اتفاق تدارکات سیستم‌های هوش مصنوعی دولت فدرال در پنتاگون انجام می‌شود. گزارش بروکینگز، افزایش اخیر تعهدات فدرال به هوش مصنوعی را «سرسام‌آور» توصیف می‌کند و نشان می‌دهد که «ارزش بودجه‌های تعهد شده به ۷/۲ میلیارد دلار (افزایش ۹۶۶ درصدی نسبت به سال ۲۰۲۴) و ارزش جوایز بالقوه به ۹۱/۸ میلیارد دلار (افزایش ۱۹۱۲ درصدی) افزایش یافته است.

پنتاگون هزینه‌های خود در حوزه هوش مصنوعی را چنان سریع و قابل توجه افزایش داده است که امسال «تمام آژانس‌های دیگر عملاً به یک خطای گرد کردن تبدیل شده‌اند.» و می‌توانیم انتظار شتاب بیشتر این روندها را داشته باشیم. گزارش بروکینگز همچنین می‌گوید: «با توجه به اینکه پیش‌بینی می‌شود هزینه‌های هوش مصنوعی در سراسر جهان از ۱/۷۵ تریلیون دلار در سال ۲۰۲۵ به ۲/۵۲ تریلیون دلار در سال ۲۰۲۶ افزایش یابد (رشد ۴۴ درصدی نسبت به سال گذشته)، انتظار داریم شاهد افزایش چشمگیر هزینه‌های کلی هوش مصنوعی توسط دولت فدرال نیز باشیم.» شرکت‌های فناوری به پیمانکاران کلیدی دفاعی تبدیل شده‌اند.

در مصاحبه‌ای با هنرمند و منتقد فرهنگی، جاشوا سیتارلا، در سال ۲۰۲۴، یوتیوبر محبوب گرگوری گووارا (معروف به جرگ) بالحنی نیمه شوخی گفت: «من هرگز تصدیق نمی‌کنم که یک ربات دارای آگاهی است و اگر آگاهی داشته باشد، تمام تلاشم را می‌کنم تا او را رنج دهم.» و افزود: «من کاملاً یک انسان برتربین هستم.»

با وجود تمام ایدئولوژی‌های برتربینانه‌ی مسمومی که امروزه در سیاست آمریکا وجود دارد، شاید همه ما باید کمی بیشتر از یک سیستم اجتماعی که از قرار دادن زندگی انسان بالاتر از قدرت دولت، سود شرکت‌های فناوری و شبه ادیان نوظهور به اصطلاح روشنگری تاریک امتناع می‌کند، نگران باشیم. به نظر می‌رسد که زیاده روی‌های

غیر انسانی در اندازه، سرعت و «رشد» امروزه از ویژگی‌های بارز این راست‌نو-
ارتجاعی و لیبرالیسم شرکتی ارائه شده از سوی تیم مقابل است.

سطری چند در مورد نویسنده این مقاله :

دیوید اس. داماتو وکیل، تاجر و محقق مستقل است. او مشاور سیاست‌گذاری بنیاد آینده
آزادی و نویسنده‌ی دائمی نظرات در روزنامه‌ی هیل است. نوشته‌های او در فوربس،
نیوزویک، اینوستر بیزینس دیلی، ریل کلیرپالیتی‌کس، واشنگتن اگزمینر و بسیاری از
نشریات دیگر، چه عمومی و چه علمی، منتشر شده است. آثار او توسط اتحادیه‌ی
آزادی‌های مدنی آمریکا (ACLU) و دیده بان حقوق بشر، از جمله ...، مورد استناد قرار
گرفته است

----- **با تقدیم احترامات «2026-05-29»**

.....